

افسانه‌های عامیانه از دیدگاه شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب



متنصور چهرازی

برگ‌هایی به اصل افسانه همراه بوده است. افسانه عمری به درازای حیات بشری دارد و در بیشتر دوره‌های زندگانی وی افسانه‌پردازی و علاقه به جمع‌آوری و بیان آن رواج داشته است چنانکه در عصر ساسانیان و نیز در دربار خلفای دمشق و بغداد و بعدها در میان مغولان و ترکمانان و تیموریان و صفویان این امر مشاهده می‌شود.

در اروپا نیز گردآوری و روایت افسانه‌ها در ابتدا جنبه تفریح و سرگرمی داشته است و نویسندگانی چون شکسپیر^{۱۲}، گوته^{۱۳} و شارل پرو^{۱۴} در خلق آثار ارزنده خود از افسانه‌ها الهام گرفته‌اند.

اما جمع‌آوری و تدوین افسانه‌های عامیانه بر اساس معیارهای علمی از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد و آن هنگامی بود که رفته رفته اندیشمندان به ارزش‌های علمی و فرهنگی این گونه افسانه‌ها پی برده و درصدد برآمدند تا به جمع‌آوری و تفسیر آنها بپردازند. این امر در اروپا برای اولین بار به دست برداران گریم و در ایران به دست افرادی نظیر فضل‌الله مهتدی (صبحی)^{۱۵} صورت واقعیت به خود گرفت.

برادران گریم، بعد از جمع‌آوری و چاپ این افسانه‌ها در کتابی به نام **افسانه‌های کودکان و قصه‌های خانه**^{۱۶} متوجه این نکته عجیب‌آور شدند که در این افسانه‌ها علی‌رغم تفاوت‌های جزئی‌شان، شباهت و یگانگی زیادی موج می‌زند که می‌توان به وسیله آنها به شناسایی تاریخ، فرهنگ، زبان، نژاد و افکار و عواطف نفسانی ملت‌ها پرداخت. به همین دلیل هنوز پنجاه سال از چاپ و نشر کتاب برادران گریم نگذشته بود که «از آیسلند تا یونان و از اسپانیا تا روسیه افسانه‌های مردم اروپا گرد آمد و قصه‌های مردم دیگر نیز از آسیای و آفریقایی تا مردم بومی اقیانوسیه و آمریکا جمع و ضبط شد».^{۱۷}

در پاسخ به این سؤال که چرا افسانه‌ها خیلی واقعی‌تر و مطمئن‌تر از تاریخ می‌تواند افکار و عقاید و روحیات یک ملت را

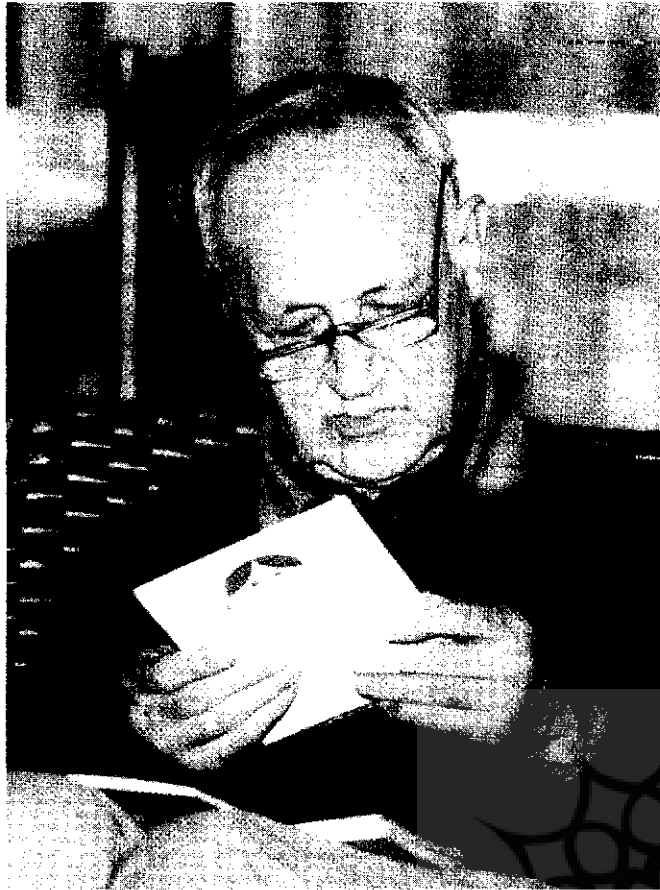
یادداشت‌ها و اندیشه‌ها

از مقالات، رساله‌ها، کتاب‌ها

است تا ضمن ارج نهادن به «مردم» پژوهشگران را نیز با یکی دیگر از منابع تلویز تاریخ و جامعه‌شناسی یک ملت آشنا سازد. بنابراین، مقاله حاضر سعی دارد تا با بررسی نقطه نظرات مرحوم دکتر زرین کوب، دیدگاه کلی وی را درباره «افسانه‌های عامیانه» به خوانندگان عرضه دارد.

به عقیده مرحوم استاد زرین کوب هدف افسانه‌پردازان کهن از روایت افسانه‌ها بیش از هر چیز ایجاد لذت و تفریح در خود و دیگران بوده است که این عمل با کاستن یا افزودن شاخ و

«فرهنگ عامه» برگردان واژه «فولکلور»^۱ است که به عنوان یک موضوع مطالعاتی و دانشی جدید در قرن نوزدهم میلادی به منصفه ظهور رسید، و آن زمانی بود که عتیقه‌شناسان^۲ انگلیسی و فقه‌اللغه‌شناسان^۳ آلمانی به کنکاش در آداب و رسوم طبقات پایین اجتماع پرداختند. آن چه سبب ترغیب اندیشمندان به این گونه مباحث شد، جمع‌آوری، چاپ و نشر «افسانه‌های عامیانه» و تجزیه و تحلیل اسطوره‌ها از سوی دو برادر آلمانی به نام‌های یاکوب و ویلهلم گریم^۴ در سال ۱۸۱۲ م. بود. نامی که آن‌ها برای موضوع مورد بررسی خود به کار بردند **Volskunde** بود که به معنای دانش و هنر عوام است.^۵ سال‌ها بعد یک باستان‌شناس انگلیسی به نام ویلیام جان تامز^۶ (فوت ۱۸۸۵ م.) طی نامه‌ای که در تاریخ ۲۲ اوت ۱۸۴۶ م. با امضای مستعار **امبروز مرتون**^۷ به نشریه انجمن ادبی لندن - آنتائوم -^۸ نوشته پیشنهاد کرد که از آن پس بهتر است به جای اصطلاح نامانوس «تحقیقات عامیانه» کلمه «فولکلور» استعمال شود. «وی در توضیح این اصطلاح تأکید داشت که مطالب و موضوعاتی از قبیل عادات و آداب و مشاهدات و خرافات و ترانه‌ها و اصطلاحات و غیر از این‌ها باید از قدیم‌ترین ادوار تلویز شود تا هم در آینده پژوهشگران بتوانند از این طریق به اطلاعات مورد علاقه خود دست یابند و همچنین بتوان از زوال و فزونی آثار و اندیشه‌ها و ادبیات عامه، جلوگیری کرد».^۹ آن‌چه را که ما امروزه با عنوان «فرهنگ عامه» می‌شناسیم به نوعی نشان‌دهنده حیات عامه مردم است که ارزش بخشیدن به آن در حکم ارج نهادن به «مردم» است: «به این خاطر که مردم از فرهنگشان جدا نیستند و این، فرهنگ آن‌ها است که آن‌ها را می‌سازد و به آنان ارزش می‌بخشد».^{۱۰} به همین انگیزه شادروان استاد دکتر **عبدالحسین زرین کوب** با نگارش دو مقاله بسیار ارزنده تحت عناوین «افسانه‌های عامیانه» و «درباره افسانه‌های عامیانه»^{۱۱} کوشیده



آن چه را که ما امروزه با عنوان «فرهنگ عامه» می‌شناسیم به نوعی نشان‌دهنده حیات عامه مردم است که ارزش بخشیدن به آن در حکم ارج نهادن به «مردم» است

شادروان استاد

**دکتر عبدالحسین زرین کوب
با نگارش دو مقاله بسیار ارزنده
تحت عناوین «افسانه‌های عامیانه» و
«درباره افسانه‌های عامیانه» کوشیده است
تا ضمن ارج نهادن به «مردم»
پژوهشگران را نیز با یکی دیگر
از منابع تدوین تاریخ و جامعه‌شناسی
یک ملت آشنا سازد**

بازگو کنند؟ مرحوم استاد زرین کوب می‌نویسد: «چون هم از واقعتهای زنده و موجود حکایت دارند و هم در بیان اطوار و احوال گذشته مردم کمتر از تاریخ دستخوش اغراض مورخان گشته‌اند.»^{۱۸}

از آنجا که افسانه‌های عامیانه دارای تنوع زیادی هستند، همین عامل کار پژوهشگر را در راه شناخت آنها با دشواری‌هایی روبرو می‌سازد. مرحوم دکتر زرین کوب برای رفع این نقیصه آنها را به پنج دسته کلی تقسیم کرده است که عبارتند از:

(الف) افسانه‌های خیالی؛ که فاقد ریشه‌های تاریخی و قهرمانان واقعی‌اند. مانند افسانه‌هایی که درباره غولان، جن و پری و «قصرهای نهفته و گنج‌های باد آورده» وجود دارد.

(ب) افسانه‌های واقعی و حقیقی؛ که اگر چه با اغراق و مبالغه آمیخته‌اند اما در لابلای آن‌ها بسیاری از حوادث زندگی انسان‌ها را می‌توان به عیان دید. «داستان‌هایی که از حوادث سفر تجارت و از احوال دزدان و راهزنان و بازرگانان و روستائیان و... بر سر زبان‌هاست»^{۱۹} از این قبیل به‌شمار می‌روند.

(ج) افسانه‌های شوخ و مسخره؛ که هیچ نکته جدی‌ای ندارند. ویژگی این نوع افسانه‌ها عبارتند از:

(۱) غالب بودن جنبه‌های هزل و لودگی نسبت به جنبه‌های تعلیمی و اخلاقی؛

(۲) استفاده نمادین از جانوران (مثلاً شیر مظهر شجاعت یا روباه مظهر مکر و فریب)؛

(۳) درهم‌آمیختگی امثال و داستان‌ها با این گونه افسانه‌ها؛ از جمله این افسانه‌ها در زبان فارسی می‌توان به «کفش ابوالقاسم طنبورنواز» و «خیاط و مرد احذب» اشاره نمود.

(د) افسانه‌های تاریخی؛ که روابیان آن‌ها سرگذشت‌های اعجاب‌آوری را به قهرمان یا قهرمانان خود نسبت می‌دهند. مانند افسانه‌هایی که در وصف بودا، اسکندر، محمود غزنوی، شاه‌عباس کبیر در هند و ایران یا قیصر و شارلمانی و ریچارد

شیردل در اروپا پرداخته‌اند.

(ه) افسانه‌های تعلیمی - اخلاقی؛ که هدف آن‌ها نشر تعالیم و مفاهیم اخلاقی و انسانی و آموختن خوب و بد زندگی به کودکان و نوجوانان است. افسانه «راه و بیراه» در زبان فارسی که نظامی گنجوی در «هفت گنبد» خویش آن را با نام «خبر و شر» به رشته نظم کشیده است، از این مقوله به‌شمار می‌رود. در تکمیل دسته‌بندی مرحوم استاد زرین کوب می‌توان اظهار نمود که افزون بر این‌ها افسانه‌هایی نیز وجود دارند که مضمون آن‌ها، همه، یا بیشتر موارد یاد شده را دربر می‌گیرد مانند امیرارسلان رومی که هم مضمون عشقی دارد، هم تاریخی، هم اخلاقی و هم جادویی و تخیلی.

چون عمل تکوین و تولید افسانه در همه جا مشابه به ز می‌آمد انسان‌شناسان و مردم‌شناسان اغلب از وجود مشابه در افکار بدوی انسانهای نقاط مختلف جهان، علی‌رغم تفاوت‌های اساسی شرایط اجتماعی و فرهنگی آنها متعجب شدند. بنابراین، این سؤال به ذهن آنان خطور کرد که منشأ این شباهت‌ها چیست؟ پاسخی که هر یک از آنان برای حل این معما مطرح کردند، فرضیه‌هایی را درباره چگونگی تجزیه و تحلیل قصه‌ها و افسانه‌ها در اروپا و آمریکا به وجود آور . شادروان استاد زرین کوب این نظریات را با تبحر صی به شرح زیر بیان فرموده‌اند:

(الف) فرضیه هند و اروپایی: این فرضیه ابتدا توسط برادران گریم در آلمان و دیستنت^{۲۰} در انگلستان مطرح شد و بعدها توسط سانسکریت‌دان نامی - ماکس مولر^{۲۱} - تکمیل گردید، اما در نزد آنژلود و گوپر ناتیس^{۲۲} حالت اغراق به خود گرفت. بر اساس این فرضیه، افسانه‌ها از اساطیر آریایی مانند آسمان، ستارگان و خورشید که در قبل از تاریخ در هند رواج داشته است سرچشمه می‌گیرد. «آریاییان از پدیده‌های جوی، آسمان، شب و طلوع خورشید که زبان برای مفاهیم مجرد هنوز توانایی

نداشت خدایانی ساختند و پس از پراکندگی هند و اروپاییان در سراسر اروپا، مدلول اصلی خدایان ودایی فراموش شد و فقط برخی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های نارسا باقی ماند که از آن اساطیر به وجود آمد.»^{۲۳}

(ب) فرضیه مردم‌نگاری: ارائه‌دهندگان آن اندریولانگ^{۲۴} مردم‌شناس انگلیسی و گه‌دوز^{۲۵} فرانسوی می‌باشند.

اینان بر این باورند که «افسانه‌های شگفت‌انگیز، بازمانده اساطیر دور و دراز کهن نیستند بلکه خاطره‌هایی از زندگی بدوی آدمی‌زادند و آنچه از سحر و طلسم و قربانی و اعتقاد به امور مقدس و انتساب به جانوران و آدم‌خواری و پرستش نیاکان و این گونه عقاید و مناسک در این افسانه‌ها دیده می‌شود مربوط به شیوه زندگی ابتدایی اقوام است و ربطی به اساطیر آن‌ها ندارد و چون اقوام بدوی در آئین زندگی و آداب و مناسک خویش، همه جا بیش و کم شباهتی دارند وجود افسانه‌هایی که تا اندازه‌ای به یکدیگر همانند باشند نیز در بین آنها طبیعی و ضروری است.»^{۲۶} از مدافعان این فرضیه نیز می‌توان از سرجان لایوک^{۲۷} و ا. ب. تیلور^{۲۸} و ماک لنان^{۲۹} نام برد.

(ج) فرضیه هندی: واضعان این فرضیه سیلوستر دوساسی^{۳۰}، لوزالوردلون شان^{۳۱} و بویژه تئودور بنفی^{۳۲} می‌باشند. بر اساس این فرضیه شباهت‌های موجود در افسانه‌های ملل گوناگون ناشی از وحدت منبع آن‌ها - سرزمین هند - است. زیرا تمامی افسانه‌ها از هند که مهد قصه و افسانه است به سایر نقاط جهان پراکنده شده‌اند و بنابر گفته تئودور بنفی «حتی اگر خاستگاه همه قصه‌های حیوانات کتاب پنجانتترا در مغرب زمین و خاصه در یونان باشد، در عوض قصه‌های شگرف جادو، همه ریشه در هند دارند و راهبان بودایی در تعالیم خویش از آن‌ها برای تمثیل و قیاس استفاده کرده‌اند»^{۳۳}

(د) فرضیه روان‌کاوی: این نظریه که با نام زیگموند فروید^{۳۴}، پزشک و روان‌کاو بزرگ اطریشی، همراه است و بعدها



به عقیده مرحوم استاد زرین کوب هدف افسانه پردازان کهن از روایت افسانه‌ها بیش از هر چیز ایجاد لذت و تفریح در خود و دیگران بوده است که این عمل با کاستن یا افزودن شاخ و برگ‌هایی به اصل افسانه همراه بوده است

مرحوم زرین کوب افسانه‌ها را به پنج دسته کلی تقسیم کرده است: ۱- افسانه‌های خیالی، ۲- افسانه‌های واقعی و حقیقی، ۳- افسانه‌های شوخ و مسخره، ۴- افسانه‌های تاریخی، ۵- افسانه‌های تعلیمی - اخلاقی

و نه یک شخصیت خاص. قهرمان همواره تک‌بعدی است، یعنی یا کاملاً خوب یا کاملاً بد. در افسانه به تقدیر، خرافات و خواب نیز توجه فراوان می‌شود.^{۲۵}

یاسخ مرحوم دکتر زرین کوب به این سؤال که آیا افسانه‌های عامیانه را «عامه» و «توده» مردم پدید آورده‌اند؟ کاملاً منفی است. زیرا «آن چه عامه و توده مردم گفته می‌شود وجود انتزاعی دارد و موجود مستقل و ممتاز و مجزایی نیست و ناچار از عهده خلق و ابداع هم بر نمی‌آید». ^{۲۶} پس پردازندگان افسانه‌ها چه کسانی هستند؟ بی‌شک هنرمندان و شاعران گمنامی که در میان توده مردم زندگی می‌کنند و از دردها، رنج‌ها و آرزوهای آنان باخبرند.^{۲۷}

مرحوم استاد زرین کوب بر این باور است که اگرچه آفرینندگان افسانه‌های عامیانه ناشناس باقی مانده‌اند اما با مطالعه افسانه‌ها می‌توان به وابستگی‌ها و منافع طبقاتی، آرزوها، افکار و عواطف نفسانی آنان آشنا شد. علاوه بر این می‌توان به شیوه زندگی و اعتقادات کسانی که به این افسانه‌ها با علاقه گوش فرا داده و به نقل آن‌ها اقدام نموده‌اند، پی برد. چنان که «در قصه‌هایی که جانوران مسخ می‌شوند و قلعه‌ها و سنگ‌ها طلسم می‌شوند، می‌توان نفوذ و عقیده و ذوق و تأثیر تعلیم و قریحه کاهنان قبایل و یا جادوگران شهرهای کهن را دریافت و چهره سازندگان این‌گونه افسانه‌ها را که در ترویج و تبلیغ این گونه لوها و عقاید سود خود یا مصلحت طبقه خود را می‌جستند می‌توان به عینه دید». ^{۲۸} و یا در لابلای سطور افسانه‌های تعلیمی و اخلاقی می‌توان «چهره سازندگان آن‌ها که مردم جهان‌دیده و کار افتاده قوم یا آموزگاران و خردمندان و پارسایان و پیغمبران بوده‌اند مشاهده نمود». ^{۲۹}

بی‌شک افسانه‌های عامیانه بخشی از «فرهنگ عامه» است که از طریق آن‌ها آرزوها، تخیلات، احساسات و تفکرات متفاوت انسان‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. از آن جا که موضوع افسانه‌ها، مسایل بسیار گونه‌گونی را دربر می‌گیرند و به همه جلوه‌های زندگانی یک جامعه می‌پردازند و به نوعی بازتابی از زندگی همه طبقات اجتماعی است از این نظر در افسانه‌ها می‌توان با مسایل اجتماعی و فرهنگی زیادی روبرو

نظیر «روزی، روزگاری» «غیر از خدا هیچکس نبود» و «یکی بود یکی نبود» در آغاز افسانه‌ها مؤید این نظر است.

ب) مکان و زمان رویدادها در افسانه‌ها نامعلوم است. ج) نام قهرمان و شخصیت‌ها در افسانه‌ها نامشخص است زیرا که این نام ممکن است بنا به میل و هوس راوی عوض شود.

د) شیوه بیان افسانه‌ها ساده و عاری از تکلف است و نثر ادیبانه در آن‌ها به چشم نمی‌خورد، اما این سادگی در هر کشوری ویژگی‌های خاص خود را دارد. چنان که «در فرانسه سلاگیشان چندان است که گاه اندکی خشک به نظر می‌آیند. در روسیه افسانه‌ها زیاده شیرین و دلکشند اما سادگی و زودبوری در آن‌ها بیش از هر جای دیگر بارز و نمایان است. در قصه‌های هندی و عربی تأثیر مجاورت «هزار و یک شب» محسوس است و حوادث و ماجراها از هیجان و شگفتی مشحونند». ^{۳۰}

ه) شیوه نگارش در افسانه‌ها دارای وحدت و شباهت زیادی است که این موضوع در دو چیز جلوه‌گر است: اول) در عبارات‌های قالبی و جمله‌های کهنه و نیز خالی نبودن از وزن و قافیه، که این موضوع در افسانه‌هایی از قبیل «خاله سوسکه»، «دم‌دوز»، «کک به تنور»، «بیز زنگوله‌پا» و «کلو قلقله‌زن» به خوبی قابل مشاهده است. ^{۳۱}

دوم) در وحدت آغاز و فرجام: افسانه‌ها معمولاً با عباراتی نظیر «یکی بود، یکی نبود» آغاز و با عباراتی مانند «بالا رفتیم دوغ بود، پایین آمدیم ماست بود» خاتمه می‌یابند. گاه در افسانه‌ها قهرمان داستان آغاز و پایان مشابهی دارد؛ ابتدا متحمل مرارت‌های زیادی می‌شود. که سرنوشت برای او رقم زده است اما سرانجام شاهد موفقیت را در آغوش می‌گیرد.

بر مطالب استاد زرین کوب می‌توان افزود که افسانه را نمی‌سازند، بلکه می‌پردازند. در افسانه به فضا، اوضاع اجتماعی، سیاسی، روانی و ذهنی شخصیت‌ها کمتر توجه می‌شود. نحوه بیان افسانه روایتی است و زبان آن به زبان محاوره نزدیک‌تر است به نحوی که می‌توان گفت همه شخصیت‌های آن از پادشاه گرفته تا گدا به یک زبان صحبت می‌کنند. افزون بر این اگر چه قهرمان چهره مشخصی ندارد اما همواره قهرمان است

نیز از سوی شاگردان وی و سایر روان‌کاوان نامی مانند ارنست جونز^{۳۲}، اریش فروم^{۳۳} و کارل گوستاو یونگ^{۳۴} به بار نشست بر این باور است که باید ریشه مشابهت افسانه‌های ملل را در تظاهر احساسات سرکوب‌شده دوران کودکی جست و جو نمود.^{۳۵} مرحوم دکتر زرین کوب، بعد از نقد و بررسی مختصر این فرضیه‌ها، رای خود را درباره ریشه مشابهت افسانه‌ها بدین‌گونه بیان می‌فرماید: اگرچه این آرا و عقاید قابل توجه و مهم‌اند اما از آن‌جا که هر کدام تنها یک عامل را برای بیان شباهت افسانه‌ها با یکدیگر مطرح می‌کنند، جامع و مانع نیستند و نیز «منشاء واحدی را برای تمام قصه‌های مشابه به اثبات نمی‌رسانند». ^{۳۶} از نظر استاد از دو عامل عمده در این زمینه نمی‌توان غفلت ورزید: نخست «تأثیر روابط دیرین اقوام و لشکرکشی‌ها و جهانگردی‌ها و داد و ستدهای بازرگانی» و دیگری «تفاهت و مقوله‌توار» که درباره عامل اخیر نه می‌تواند جایز دانسته است و نه دستاویز قرار دادن آن برای رد تمامی عقاید پژوهشگرانی که درباره منشاء واحد افسانه‌های عامیانه فرضیه خاصی را مطرح کرده‌اند. ^{۳۷}

به نظر می‌رسد شادروان دکتر زرین کوب در ارائه دلیل نخست خویش تا اندازه زیادی تحت تأثیر مکتب تاریخی-جغرافیایی یا مکتب فنلاند قرار داشته است. «بنا بر نظر مکتب تاریخی - جغرافیایی قصه‌ای که صدها گونه شفاهی دارد باید زمانی در یک مکان معین و به وسیله یک نفر آگاهانه ابداع و آفریده شده باشد، پس از آن، قصه از محل پیدایش خود به سفر پرداخته است. انتشار «موجی شکل» آن تحت تأثیر راه‌های مسافرتی و تجاری قرار گرفته، و احتمالاً متن‌های نوشتاری و چاپ شده نیز بر آن اثر گذاشته‌اند، و به هر حال، قصه در یک پهنه وسیع جغرافیایی انتشار یافته است». ^{۳۸}

از دیدگاه استاد زرین کوب، افسانه‌های عامیانه نه تنها از حیث مضمون و معنی، بلکه از لحاظ شیوه «بیان» نیز شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند که این شباهت‌ها را به صورت ذیل می‌توان دسته‌بندی نمود:

الف) موضوع افسانه‌ها معمولاً قدیمی است و به گذشته‌های بسیار دور و از یاد رفته مربوط می‌شود چنان که آوردن عباراتی

انسان‌شناسان و مردم‌شناسان اغلب از وجود مشابهت در افکار بدوی انسان‌های نقاط مختلف جهان، علی‌رغم تفاوت‌های اساسی شرایط اجتماعی و فرهنگی آنها، متعجب شدند

بی شک پردازندگان افسانه‌ها، هنرمندان و شاعران گمنامی هستند که در میان توده مردم زندگی می‌کنند و از دردها، رنج‌ها و آرزوهای آنان باخبرند

مرحوم استاد زرین کوب بر این باور است که اگرچه آفرینندگان افسانه‌های عامیانه ناشناس باقی مانده‌اند اما با مطالعه افسانه‌ها می‌توان به وابستگی‌ها و منافع طبقاتی، آرزوها، افکار و عواطف نفسانی آنان آشنا شد. علاوه بر این می‌توان به شیوه زندگی و اعتقادات کسانی که به این افسانه‌ها با علاقه گوش فراداده و به نقل آن‌ها اقدام نموده‌اند، پی برد

بی شک افسانه‌های عامیانه بخشی از «فرهنگ عامه» است که از طریق آن‌ها آرزوها، تخیلات، احساسات و تفکرات متفاوت انسان‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود

شد که هرکدام به دوره‌های مختلفی تعلق دارند. «قصه‌ها با ویژگی نقلی بودن زیادشان، کیفیتی بسیار سیال دارند و به آسودگی قادر هستند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شکل‌های بسیار مناسب و تازه‌تری به خود بگیرند. قصه‌ها به شرط وجود شرایط اجتماعی و فرهنگی مناسب می‌توانند از مرزهای قومی و ملی فراتر روند و سرزمین‌های دور از هم و حتی دشمن با یکدیگر را در نوردند و موضوع‌ها و بن‌مایه‌های خود را حفظ کنند.»^{۵۰} این گونه نگرش به افسانه‌های عامیانه که به طور دقیق بیانگر زندگی توده مردم است می‌تواند پژوهشگران را در تدوین تاریخ و جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی اجتماعی قوم یا ملتی یاری دهد.

پی‌نوشت‌ها:

* در تعریف «افسانه» و «قصه عامیانه» آمده است: «تاگر قهرمان داستان، انسانی با ویژگی طبیعی، و نه موجودی فراطبیعی باشد معمولاً به آن داستان افسانه (legend) می‌گویند و اگر قهرمان فراطبیعی باشد داستان نیز غیراسطوره‌ای به آن داستان، قصه عامیانه (folk tale) گفته می‌شود» اما مرحوم دکتر زرین کوب در مقالات خود ظاهر افسانه و قصه را به یک معنا گرفته‌اند که ما نیز به تبعیت از استاد همین شیوه را در پیش گرفته‌ایم.

برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک. به: دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم (آسیای مرکزی)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱.

۱) «کلمه فولکلور مرکب است از دو جزء «فولک» folk و «لور» lore که جزء اول را در فارسی به مردم، توده، عامه، خلق و عوام ترجمه کرده‌اند و بخش دوم را به دانش، آگاهی، دانستی، معلومات، حکمت و کلماتی از این گونه برگزیده‌اند. روی هم رفته مترجمان پارسی‌زبان در برابر فولکلور، اصطلاحات فرهنگ مردم، فرهنگ توده دانش عوام، حکمت عامیانه، فلسفه عوام، معرفت عامه، دانستی‌های عوام، فرهنگ عامه، فرهنگ قومی، آداب و رسوم و اعتقادات عامه، اخلاق عامیانه، توده‌شناسی و عباراتی از این قبیل آورده‌اند. هنوز نیز این مترجمان نواقعی دیده نشده که تنها یک اصطلاح را برگزینند و به این اختلاف آراء خاتمه دهند». بیهقی، حسینقلی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، چاپ دوم، بی‌جا، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۸.

۴- Jacob and willhelm grimm

۵- پراپ، ولادیمیر، ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان، فراهم آورده و ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱، ص ۶.

۶) William jahn thoms

۷) Ambrose merton

۸) Athenaeum

۹) بیهقی، حسینقلی، پیشین، صص ۱۷، ۱۸.

۱۰) همان، ص ۱۷.

۱۱) این مقالات برای نخستین بار به ترتیب در مجله «سخن» سال

پنجم و سال ششم، و برای دومین بار در اثر ذیل چاپ و منتشر شده‌اند.

زرین کوبه عبدالحسین: یادداشت‌ها و اندیشه‌ها (بخش اول)، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۱.

۱۲) Shakespear

۱۳) Wolfgang Goethe

۱۴) Charles Perrault

۱۵) از دیگر پیشکسوتان ایرانی که به جمع‌آوری و چاپ افسانه‌های عامیانه مبادرت ورزیدند می‌توان از حسین کوهی کرمانی، صادق هدایت، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، احمد شاملو، محمدجعفر محجوب، امیرقلی امینی و صمد بهرنگی نام برد.

۱۶) Kinder-Und Hausmarchen

۱۷) زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۲۳۴.

۱۸) همان، ص ۲۳۴.

۱۹) همان، ص ۲۳۵.

۲۰) Dasent

۲۱) Max Mueller

۲۲) Angelo de Gubernatis

۲۳) «برای وی تمام افسانه‌ها را سعی دارد به اساطیر بازگرداند و درین کار چنان افراط می‌کند که فی‌المثل در داستان معروف «دختر شیر فروش» خنده نشاط دختر را اشاره‌ای به «خدای سپیدم» می‌داند و ریختن شیر او را کتابی می‌داند از طلوع آفتاب می‌شمرد». زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۲۳۸.

۲۴) دانشنامه ادب فارسی، پیشین، ص ۶۸۶.

۲۵) Anderew Lang

۲۶) Gaidoz

۲۷) زرین کوبه عبدالحسین، پیشین، ص ۲۳۹.

۲۸) Sir John Lubbock

۲۹) E. B. Tylor

۳۰) Mac Lennan

۳۱) Silvester de Sacy

۳۲) Loiseleur - Deslongchamps

۳۳) Theodore Benfey

۳۴) دانشنامه ادب فارسی، پیشین، ص ۶۸۶.

۲۵) Sigmund Freud

۲۶) Ernest Jones

۲۷) Erich Fromm

۲۸) C. G. Jung

۳۹) به عنوان نمونه «در اسطوره اودیوس، فریود مثالی عالی از یک

داستان اسطوره‌ای می‌بیند که امیال و سائقه‌های تاریک و سرکوفته کودکانه

را که به سوی بلوغ رشد می‌کنند، تصویر می‌کند: پسر بچه مادرش را دوست

می‌دارد، کشتن پدر را خواب می‌بیند. در اودیپ شهریار آرزوهای او برآورده

می‌شود. این مدلی است که همه توسعه‌های بعدی روان‌کاوانه را شامل

می‌شود». پراپ، ولادیمیر، پیشین، ص ۲۳.

۴۰) زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، صص ۲۴۱-۲۴۰.

۴۱) همان، ص ۲۴۱.

۴۲) پراپ، ولادیمیر، پیشین، ص ۱۰.

۴۳) زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۲۴۳.

۴۴) این افسانه‌ها در زبان فارسی به افسانه‌های زنجیری معروفند که در

آن شخصیت‌های داستان بی در پی از یکدیگر سوالی می‌کنند تا بالاخره به

جواب اصلی برسند. در این گونه افسانه‌ها «عبارت‌هایی موزون هست که به

صورت ترجیع تکرار می‌شود...» مانند قصه خاله سوسکه که در جست و جوی

یافتن شهر می‌ماند است و در راه به افراد مختلفی برمی‌خورد که از او

تقاضای ازدواج می‌کنند و در برابر سؤال همیشگی خاله سوسکه که «آگه من

زن تو بشم، منو با چی می‌زنی؟» هر یک مناسب شغل خود وسیله‌ای را یاد

می‌کند، تا اینکه به موش می‌رسد که او را فقط بادم نرم و نازکش خواهد زد. پس

خاله سوسکه با او ازدواج می‌کند. برای آگاهی بیشتر ر. ک. به: همان، صص

۲۴۳-۲۴۲ و نیز: دانشنامه ادب فارسی، پیشین، ص ۶۸۵.

۴۵) همان، صص ۶۸۵-۶۸۴.

۴۶) زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، صص ۲۴۵-۲۴۴.

۴۷) همان، ص ۲۴۵.

۴۸) همان، ص ۲۴۷.

۴۹) همان، صص ۲۴۹-۲۴۸.

۵۰) هادی، سهراب: شناخت اسطوره‌های ملل، چاپ اول، تهران، نشر

تندیس، ۱۳۷۷، ص ۱۱.